



گذری بر ابعاد اجتماعی اعتیاد



محمد رضا زمردی



قطع نظر از نوع مواد مصرفی، گروه‌های همسالان، فضای خانوادگی، محیط اجتماعی، خرده فرهنگ معین، خاستگاه اجتماعی-اقتصادی و تجربه زیسته همگی در مبتلا شدن افراد نقشی به سزا دارند. لذا به نظر می‌رسد که علل و عوامل روی آوردن به این پناهگاه متزلزل و موهوم از گستردگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و پرهیز از ساده‌انگاری در این عرصه فوق‌العاده ضرورت دارد. باری عرضه مواد مخدر را نمی‌توان دست کم گرفت. بدیهی است که علت اصلی اعتیاد به مواد مخدر، عرضه آن است که توسط شبکه‌های سازمان یافته قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد. بنا به برآورد کنفرانس ۱۹۹۴ سازمان ملل درباره جنایت سازمان یافته جهانی، تجارت جهانی مواد مخدر سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است، یعنی بیش از تجارت جهانی نفت. ایران به واسطه همسایگی با افغانستان و بدل شدن به اصلی‌ترین محور ترانزیت مواد به ترکیه و اروپا، در خط مقدم جنگ علیه مواد مخدر قرار دارد. در سالیان پس از انقلاب مخالفت ایدئولوژیک با رژیم برآمده از انقلاب سبب گردیده که ایران در این جنگ جدی از پشتیبانی‌های کافی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی برخوردار نباشد. به رغم این که نیروهای نظامی و انتظامی ایرانی در ده سال گذشته در این مبارزه نقش داشته و ۳۵۰۰ شهید داده‌اند، مطابق گزارش

جهان است که البته این متغیر در کنار شمار دیگری از ناپسامانی‌ها و مصایب، تیره روزی را تشدید می‌کند. به نظر می‌رسد که می‌توان دو نوع اعتیاد را از هم باز شناخت. اعتیاد تسکین خواهانه و اعتیاد لذت گرایانه. در نوع اول فرد معتاد با پناه آوردن به مواد تخدیرکننده‌ای چون تریاک و هروئین از فشارها، ناملایمات و دردمندی خود می‌گریزد، با غرق کردن خود در بافتل مواد مخدر به کرختی و سبکی و آسودگی دست می‌یابد که به رغم موقتی بودن برایش مغتنم هستند. در نوع دوم که موج اخیر اعتیاد را شامل می‌شود افراد به وهم و لذتی می‌رسند که نظیرش را در جای دیگر جست‌وجو نمی‌توانند کرد. شاید فقدان معنای متعالی برای زندگی و ناتوانی جامعه در القای حسی از ارزش و کرامت به فرد، کم فروغ بودن معنویت و عدم رشد کافی عقلانیت در زمینه‌سازی تمایل به این گونه اعتیاد دخیل باشند. موادی چون اکس این نوع از اعتیاد را رقم می‌زند. البته دو عنصر تخدیر و تلذذ را کاملاً مجزا و بی‌ارتباط نمی‌توان دانست و همراه هم وجود دارند و هر یک می‌تواند دیگری را تقویت کند و به آن راه دهد. تقسیم‌بندی فوق ناظرست به وجهه غالب و برجسته‌تر اعتیاد که به تقسیم‌بندی رفتار معطوف به اعتیاد و انواع معتادین کمک می‌کنند. با این حال

یکی از مسایل اجتماعی مهم در جهان کنونی، بیماری اعتیاد است. اعتیاد البته می‌تواند تنوع وسیعی از موضوعات را در بر بگیرد. اعتیاد به کار، اعتیاد به اینترنت، اعتیاد به الکل، اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری، اعتیاد به شرط‌بندی‌های ورزشی (توتو)، اعتیاد به خرید کردن برخی از آنها هستند. تحت‌الشعاع قرار دادن اراده فرد و درگیر کردن کل شخصیت احتمالاً میان انواع مختلف اعتیاد مشاهده می‌شود. با این حال، متن حاضر نوع خاصی از این پدیده را در کانون توجه خواهد داشت: اعتیاد به مواد مخدر.

جامعه منبع مهم تمام مسایل اجتماعی است. در خصوص اعتیاد، هم تقاضا برای مواد مخدر از سوی افراد مبتلا عاملی مهم محسوب می‌شود و هم عرضه‌ی مواد مخدر اهمیت بسیار دارد و حتی می‌تواند بر تقاضا تأثیر بگذارد. به هر حال هر دوی عرضه و تقاضا عواملی بسیار قدرتمند را تشکیل می‌دهند که سهل گرفتن تحدید آنها توهمی بیش نخواهد بود. در خصوص تقاضا می‌توان گفت که مادام که آن دسته از زخم‌هایی که از زندگی روزانه افراد نشات می‌گیرند، همچنان وجود دارند، یکی از واکنش‌های حاملان چنین زخم‌ها و رنج‌هایی روی آوردن به اعتیاد خواهد بود. زخم‌های روانی از این دست البته علت اصلی بیشتر جرایم و جنایت‌ها در

آژانس‌های بین‌المللی، ایران تنها می‌تواند ۱۷ درصد از مواد مخدری که در قلمرواش وارد می‌شود را کشف و توقیف کند. به تصور نگارنده تاثیر عرضه آسان و ارزان مواد که در مواردی از سیگار هم ارزان‌تر است آن چنان در معتاد شدن فرزندان این دیار (یعنی ایجاد تقاضا یا تشدید آن) دخیل است که جا دارد در کنار بنیادها و دستگاه‌های دولتی، تشکل‌های غیردولتی هم در انعکاس ابعاد گسترده این وضعیت بحرانی در سطح جهانی فعال‌تر شوند و همکاری خود با نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط در این زمینه را افزایش دهند. باری تا به این بصیرت نرسیم که برای هر فرد معتاد یا در معرض اعتیاد همگی مان مسوول هستیم، باید بنشینیم و مبتلا شدن یکی از عزیزان خود را توقع داشته باشیم.

به نظر می‌رسد که در کنار همه‌ی علل و عوامل موثر بر اعتیاد در این دیار، عامل بیکاری را باید قدری جدی گرفت. نه تنها بیکاری می‌تواند زمینه‌ساز اعتیاد (و بسیاری معضلات دیگر که در همپوشانی با هم می‌توانند بروز کنند) باشد، اعتیاد یافتن شغلی مناسب را برای فرد معتاد هر چه دشوارتر می‌کند. البته شاغلین هم در معرض اعتیاد قرار دارند و با معتاد شدن شانس از دست دادن موقعیت شغلی بسیار افزایش می‌یابد. سخت‌گیری‌های ظاهرا معقولی که کارفرمایان خصوصی و دولتی در این خصوص نشان می‌دهند، انزوا و استهلاک معتادان را تسهیل و تشدید می‌کند. روند سلب داوطلبانه حقوق اجتماعی خود توسط فرد معتاد حکایت از وضعیت بسیار آسیب‌پذیر وی دارد. باری نگرش

همگانی بسیار منفی به معتادان حکایت از این دارد که ماهیت اجتماعی علل و عوامل موثر بر معتاد شدن چندان مکشوف و معلوم نیست. هم از این روست که در وهله اول خود فرد مسوول مشکل خود دانسته می‌شود. غافل از این که این بیماری بیش و پیش از هر چیز دیگر، بیماری تضعیف‌کننده اراده فرد است. و توقع فوق‌طراقت و ظرفیت البته واقع‌گرایانه نخواهد بود.

در کنار مساله اشتغال که به حوزه ضرورت تعلق دارد، نمی‌توان اهمیت عرصه فراغت را نادیده گرفت. شاید انسان‌شناسی واقع‌گریز در کم‌توجهی به مقوله فراغت و عدم رشد صنایع تفریحی اثرگذار بوده باشد. میان برخی از جوانان ما، مصرف مواد به منظور پر کردن اوقات فراغت صورت می‌گیرد و کارکردی تفریحی دارد. این در حالی است که نبود امکانات تفریحی کافی و حتی ضعف فرهنگ‌گذران فراغت پیامدهای نامطلوب دیگری هم دارد که افسردگی و سایر آسیب‌های روانی از آن جمله است. تاثیر ناخوشایندی که اعتیاد بر افراد غیر معتاد به جا می‌گذارد هم قابل توجه است. کافی است تصور کنیم که چهار میلیون معتاد ایرانی چه حجم وسیعی از خانواده‌های ایرانی را با پدیده اعتیاد درگیر می‌کنند. بدین سان آن چنان کیفیت بفرنجی می‌تواند ایجاد شود که حتی درک پیچیدگی حاکم بر آن به سهولت میسر نباشد، چه رسد صورت دادن اقدامی در خور در قبال آن و به منظور مهار آن. آفات و آسیب‌ها و جرایم و انواع مسایلی که به نحوی به اعتیاد مربوط می‌شوند، بسیار متنوع هستند. حتی بسیاری از کسانی که به قاچاق روی می‌آورند جانی بالفطره

نگرش همگانی بسیار منفی به معتادان حکایت از این دارد که ماهیت اجتماعی علل و عوامل موثر بر معتاد شدن چندان مکشوف و معلوم نیست

نیستند و برخورد با بن بست‌های اجتماعی و ناکامی‌های پی در پی اینان را به این سودای مرگ سوق داده است. کافی است به اقتصاد اعتیاد توجه کنیم تا حجم هنگفتی از سرمایه اقتصادی که به طرق غیر قانونی و قانونی در این حوزه مبادله می‌شود را دریابیم. از نیروها و واحدهایی که مستقلا به کار مبارزه با قاچاقچیان مشغول هستند تا کلینیک‌های مخصوص ترک اعتیاد و انواع مراکز مشاوره‌ای فعال در این عرصه نشانگر بخشی از ابعاد فاجعه است.

باری نمی‌توان فقط به معتادین اندیشید و به پیشگیری آنانی که هنوز مبتلا نشده‌اند یا در معرض ابتلا قرار دارند نپرداخت. به هر حال ضرورت صیانت از کرامت انسانی و جلوگیری از اتلاف سرمایه انسانی ایجاب می‌کند که به نحو غیر فرمایشی و غیر کلیشه‌ای به اعتیاد توجه کنیم و در رفع و محو علل ساختار گرایش به اعتیاد در ایران اهتمام بیشتری بورزیم. و کسانی که به آرمان‌های اصیل و والا می‌اندیشند باید مد نظر داشته باشند که انسان‌های له شده و ناسالم هرگز حاملان و حافظان راستین آن ارزش‌ها نمی‌توانند باشند. وانگهی اگر خود موجودیت انسان (چه از نظر سلامت جسمی و روانی و چه کرامت نفس و حس ارزشمندی) محفوظ و مستحکم نباشد، از ارزش‌ها سخن به میان آوردن صرفا به کار گفت‌وگوهای رویاپردازانه می‌آید و هیچ نسبتی نمی‌یابد با تصویر زشت و دل‌آزار و زنده‌ای که هر آینه از واقعیت پیش چشمانمان پدیدار می‌شود.

